



1/1.19



دانشگاه آزاد اسلامی واحد مرودشت

پایان نامه جهت اخذ درجه کارشناسی ارشد (M.A)

گرایش برنامه ریزی درسی

عنوان

بررسی و مقایسه دیدگاههای مدرنیسم و پست مدرنیسم در برنامه درسی

استاد راهنما

دکتر حجت اله فانی

استاد مشاور

دکتر شاهپور فریدونی

۱۳۸۸ / ۱۲ / ۲

کتابخانه مرکزی اسلامی مرودشت
شماره ثبت کتاب

نگارش

مهدی کشاورزی

شهریور ۱۳۸۶

۱۳۱۰۸۹



دانشگاه آزاد اسلامی واحد مرودشت

پایان نامه جهت اخذ درجه کارشناسی ارشد (M.A)

گرایش برنامه ریزی درسی

عنوان

بررسی و مقایسه دیدگاههای مدرنیسم و پست مدرنیسم در برنامه درسی

نگارش:

مهدی کشاورزی

شهریور ۸۶

۹۲۸۸ / ۱۱ / ۲

۱- دکتر حجت اله فانی

هیات داوران: ۲- دکتر شاهپور فریدونی

۳- دکتر پروین غیاثی

تقدیم به

پدر و مادر صبور و مهربانم که مرا استقامت و انسان

دوستی آموختند

و به همسر، خواهران و برادرم که در زندگی از محبت های

بی دریغشان بهره مند بوده ام.

پژوهش حاضر با عنوان « بررسی و مقایسه دیدگاه‌های مدرنیسم و پست مدرنیسم در برنامه ریزی درسی » انجام شده است و هدف آن شرح مبانی فلسفی دیدگاه‌های مدرنیسم و پست مدرنیسم و استنباط دلالت‌های تربیتی آن در زمینه اهداف، محتوا، روش و برنامه درسی می باشد .

تعلیم و تربیت مدرن بر تربیت شهروند متمدن، متخصص و آزاد به عنوان هدف تعلیم و تربیت تاکید می نماید؛ علوم تجربی و فنی را به عنوان بهترین محتوای برنامه درسی تلقی می کند و حس گرایی، تجربه گرایی و عقلانیت را به عنوان بهترین شیوه شناخت و روشهای مبتنی بر آن را بهترین روشهای آموزشی و یادگیری قلمداد می کند. در تعیین هدف ها به تفاوت های فردی دانش آموزان توجه خاصی نمی شود. تعلیم و تربیت مدرن موجب شخصیت زدایی افراد شده و فرد دچار نوعی احساس از خود بیگانگی می گردد.

از اهداف برنامه درسی پست مدرنیستی توجه به دیگری، گرامی داشتن تمایز ها، ارج نهادن به اقلیت های قومی، نژادی و جنسیتی و حمایت از تعلیم و تربیت چند فرهنگ گرا است. مفهوم هدف های از پیش تعیین شده - خواه صریح و خواه ضمنی - مورد انکار این دیدگاه است و هدف های تعیین شده توسط دانش آموزان و یا گروهی از آنان سرلوحه یادگیری قرار می گیرد. در برنامه درسی پست مدرن از روشهای متکثر، یادگیری همیارانه، تفکر خلاق، ساخت گرایی، روش پروژه، حل مساله در اداره کلاس درس استفاده می شود. جهانی اندیشیدن یکی از نقاط مثبت این رویکرد است. یکی از نقاط منفی این رویکرد این است که دانش آموزان به هدفهای مشترکی دسترسی پیدا نمی کنند و فعالیت های یادگیری آنها به حد کافی نظام یافته نیست.

کلمات کلیدی : مدرنیسم، پست مدرنیسم، ساختار زدایی، کثرت گرایی، برنامه درسی، محتوا، تدریس.

قدردانی و تشکر

از همیاری و زحمات استاد راهنمای محترم جناب آقای دکتر حجت اله فانی و جناب آقای دکتر شاهپور فریدونی استاد مشاور محترم به خاطر رهنمودهای ارزنده ای که پشتوانه ای محکم برای موفقیت اینجانب در اجرای این پژوهش بود تشکر و قدردانی می نمایم.

از استاد محترم سرکار خانم دکتر پروین غیائی که زحمت مطالعه این پایان نامه را قبول نموده و ما را با حضور در جلسه دفاع مفتخر نمودند کمال تشکر را دارم.

در پایان بر خود لازم می دانم که از کلیه اساتید محترم گروه تعلیم و تربیت که از محضر آنها بهره مند بوده ام قدر دانی نمایم.

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
الف.....	چکیده.....
ب.....	تشکر و قدردانی.....
ج.....	فهرست مطالب.....
۱.....	فصل اول- طرح تحقیق.....
۱.....	مقدمه.....
۴.....	بیان مسئله.....
۷.....	ضرورت انجام تحقیق.....
۱۰.....	اهداف تحقیق.....
۱۱.....	مفاهیم کلیدی.....
۱۹.....	فصل دوم- پیشینه تحقیق.....
۲۰.....	مدرنیسم و پست مدرنیسم.....
۲۰.....	مقدمه.....
۲۲.....	تعریف مدرنیسم.....
۲۳.....	هستی شناسی مدرنیسم.....
۲۷.....	معرفت شناسی مدرنیسم.....
۲۹.....	ارزش شناسی مدرنیسم.....
۳۲.....	شارحان مدرنیسم.....
۳۲.....	فرانسیس بیکن.....
۳۳.....	رنه دکارت.....
۳۵.....	کومنیوس.....
۳۷.....	جان لاک.....

۳۸	ژان ژاک روسو
۴۰	پستالوزی
۴۱	ایمانوئل کانت
۴۳	جان دیوئی
۴۶	تعریف پست مدرنیسم
۴۷	هستی شناسی پست مدرنیسم
۴۹	معرفت شناسی پست مدرنیسم
۵۱	ارزش شناسی پست مدرنیسم
۵۳	شارحان پست مدرنیسم
۵۳	ژان فرانسوا لیوتار
۵۵	ریچارد رورتی
۵۷	اشر وادواردز
۵۸	هنری ژيرو
۵۹	ویلیام دال
۶۰	پیشینه تحقیق
۶۰	پیشینه تحقیقات داخلی
۶۳	پیشینه تحقیقات خارجی
۶۶	نتیجه گیری از پیشینه تحقیق
۶۷	فصل سوم - روش تحقیق
۶۸	ماهیت موضوع
۶۹	اهداف پژوهشی
۶۹	سوالات تحقیق
۷۰	روش تحقیق
۷۰	گردآوری منابع
۷۰	فیش برداری
۷۰	طبقه بندی اطلاعات
۷۰	تقسیم بندی جدید اطلاعات

۷۲.....	فصل چهارم - دلالت‌های تربیتی
۷۳.....	مقدمه
۷۴.....	دلالت‌های تربیتی مدرن.....
۷۴.....	اهداف..
۸۵.....	محتوا
۹۱.....	روش
۹۷.....	دلالت‌های تربیتی پست مدرن.....
۹۸.....	اهداف.....
۱۰۲.....	محتوا.....
۱۰۵.....	روش.....
۱۳۱.....	فصل پنجم - بحث، نتیجه گیری و پیشنهاد:
۱۳۲.....	مقدمه
۱۳۳.....	بررسی سوالات تحقیق.....
۱۳۳.....	سوال شماره ۱.....
۱۳۸.....	سوال شماره ۲.....
۱۴۳.....	سوال شماره ۳.....
۱۴۸.....	سوال شماره ۴.....
۱۵۲.....	سوال شماره ۵.....
۱۵۷.....	نتیجه گیری.....
۱۶۱.....	پیشنهادات نظری.....
۱۶۲.....	پیشنهادات عملی.....

۱۶۳.....	فهرست منابع فارسی.....
۱۷۰.....	فهرست منابع لاتین.....
۱۷۴.....	چکیده لاتین.....

فصل اول

طرح تحقیق

در نیم قرن گذشته تحول ساختار عمده ای در اندیشه، درک و ارزیابی نسبت به جهان و «خود» رخ داده و موجب تحول در هنرها، علوم، صنایع، تجارت،... و خانواده شده است. این تغییر، حرکت از مدرنیته به پست مدرنیسم^۱ نامیده شده است. تعلیم و تربیت آئینه جامعه است و به موازات جامعه، ضرورتاً منعکس کننده این تغییرات بوده و بر همین اساس نسبت به گذشته دستخوش تغییرات عمده ای شده است. ارائه نگرشی فراگیر از تربیت مدرن و پست مدرن مستلزم توجه به تحول تعلیم و تربیت از مدرنیته تا پست مدرنیته در واکنش به تحولات جامعه می باشد و با بررسی باورهای مدرنیته و پست مدرنیته و تعلیم و تربیت مدرن و پست مدرن ممکن است. مطالعه اندیشه های پست مدرن مستلزم آشنایی با مدرنیسم است. (فانی، ۱۳۸۳: ۲)

مدرنیته در لغت به معنای تجدد، و مدرنیسم^۲ به معنای تجدد گرایی از ریشه (مدرن) به معنای نو بر گرفته شده اند. اما هر یک معنای خاص و اصطلاحی دارند.

به مدرنیته از دو دیدگاه می توان نگریست؛ از دیدگاه فلسفی، و از دیدگاه شرایط اجتماعی. از دیدگاه نخست، تجدد عبارت از مجموعه مبانی نظری اعم از هستی شناسی^۳ و معرفت شناسی^۴ است که تفکر دوران مدرن بر آن استوار است. این مبانی به اختصار عبارتند از عقل گرایی، علم باوری، فردگرایی، سنت ستیزی، قرار داد اجتماعی، حقوق طبیعی، سکولاریسم. در دیدگاه دوم مراد از

^۱- postmodernism
^۲- modernism
^۳- ontology
^۴- epistemology

تجدد، نهادها و سازمانها و شرایطی است که جامعه جدید را از جامعه سنتی متمایز می سازد و ابعاد مختلف حیات جمعی اعم از سیاست، اقتصاد و فرهنگ را در بر می گیرد. (میر موسوی، ۱۳۷۶:

۲۹۰)

اوج مدرنیسم در نیمه نخست قرن بیستم واکنشی در برابر فروپاشی ارزشهای سنتی مغرب زمین بوده که پس از جنگ جهانی اول سرعت گرفته و محسوس تر شده بود. (بهین، شماره ۱۶۴-

۱۶۳: ۱۱۴)

مدرنیسم ریشه در عصر روشنگری دارد. روشنگری پیشرفت دانش را در گسترش مشاهده علمی می دانست و بر این باور بود که در پشت هر ج و مرج ظاهری جهان و جامعه، نوعی منطق یا یک حقیقت بنیادی نهفته است که می توان آن را در جهت سعادت انسان شناسایی و مهار کرد.

(سیف، ۱۳۷۹: ۳۲۸)

به طور کلی واژه مدرنیسم را نیز مانند هر واژه دیگری که در متنی جای می گیرد، فقط می توان در زمینه کاربردش باز شناخت؛ چرا که این واژه در زمینه های مختلف مانند هنرها، فلسفه، علوم و غیره، دلالت بر معنایی خاص دارد. به عنوان مثال در حالی که یک اثر هنری متعلق به تاریخی خاص، مدرن تلقی می شود، امکان دارد یک اثر پزشکی متعلق به همان تاریخ مدرن تلقی نگردد.

(احمدی، ۱۳۷۷: ۱۲)

از نظر تاریخی، مدرن همیشه در جدل با چیزی است که بلا فاصله قبل از آن است. با همین تعریف می توان گفت که مدرن همیشه (پست) بعد از چیزی است. مدرن به جدل با خود پایان می دهد و باید ناچار به صورت پست (پسا) مدرن در آید. این منطق غریب پست مدرن شدن در واقع از اصل واژه لاتین مدرن یعنی (modo) برگرفته می شود. Modo به معنی «همین الان» است و

نتیجتاً به صورت تحت اللفظی، پست مدرن « بعد از همین الان » معنی می دهد. (آپکیناری^۱، ترجمه جلالی سعادت، ۱۳۸۰: ۲۱)

پست مدرنیسم پیامد حساسیت نشان دادن بیمار گونه متفکران این قرن به مسئله زبان است. مهمترین متفکران قرن بیستم مانند برتراند راسل، لودویگ ویتگنشتاین، مارتین هایدگر و سایرین، توجه اشان را از ایده در ذهن به سوی زبان معطوف ساختند که ایده از طریق آن بیان می شود. ریشه های تئوری پست مدرنیسم به ساختار گرایی بر می گردد. ساختار گرایی یکی از مکاتب رسمی زبان شناسی است که به وسیله پروفسور زبان شناس سوئیسی، فرد نیاند دو سوسور بنیان گذاشته شد. (همان منبع: ۵۸)

در تفکر پست مدرنیسم همه فرهنگ ها ادعای مساوی نسبت به حقیقت امور دارند و جستجوی حقیقت را باید به نفع مذاکره بین جناح های مختلف کنار گذاشت. (سیف، ۱۳۷۹: ۳۲۸)

پیدایش تفکر پست مدرن را می توان در اواسط دهه ۱۹۶۰ همزمان با تداخل ساختار گرایی و تفکرات «پسا» ساختار گرایی رولان باروت (۸۰-۱۹۱۵) مشاهده کرد. (جلالی سعادت، ۱۳۸۰: ۷۴)

عصر پست مدرن عصر انتخاب های بیشمار و فزاینده است. عصری است که هیچگونه جریان متعصبانه را نمی توان بدون خودآگاهی و طنز پذیرفت، زیرا تمام سنت ها برای خود واجد ارزش و اعتبارند. این امر تا حدودی نتیجه چیزی است که انفجار اطلاعات، ظهور دانش سازمان یافته، ارتباطات جهانی و سبیر نیتیک خوانده می شود. (نوذری، ۱۳۷۹: ۹۸)

¹- Richard appignanesi

انسان در هر عصری با سیما و نقشی نو ظهور می یابد. از یکسو این ظهور کما بیش تحت تاثیر شرایط فکری، فرهنگی اجتماعی و سیاسی جامعه قرار دارد و از سوی دیگر خود نیز عامل تغییرات دامنه داری است. تعلیم و تربیت نیز به لحاظ عملی و نظری از این شرایط تاثیر پذیرفته و بر آن تاثیر می نهد. شناخت این شرایط و تحولات مداومی که روی می دهد به ما کمک می کند تا با دیدی وسیع تر به بررسی مسائل تعلیم و تربیت پردازیم.

مدرنیسم فرآیندی فکری است که از قرن شانزدهم به تدریج در اروپا آغاز شد و با ویژگیهایی چون انسان محوری، خود باوری، اصالت آزادی و منافع فردی، مردم سالاری، ملی گرایی، سکولاریسم و نسبی گرایی در ارزش های اخلاقی بر تمامی ابعاد زندگی بشری تاثیر نهاد در این راستا تعلیم و تربیت را نیز در سه بعد اهداف تربیتی، محتوای آموزشی و روشهای یاددهی و یادگیری با تحولی عظیم مواجه ساخت. (فانی، ۱۳۷۸: الف)

پست مدرنیسم رویکردی در اندیشه غرب است که ریشه های آن به قرن نوزده میلادی باز می گردد و اوج شکوفایی آن دهه های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ بوده است که اندیشمندان فرانسوی چون ژان فرانسوا لیوتار، میشل فوکو، ژاک دریدا به نقد پروژه روشنگری پرداخته و مدرنیسم را به دلیل عدم تحقق وعده هایش به چالش خواندند. اکثر فلاسفه، پست مدرنیسم را جنبشی می دانند که در دهه ۱۹۶۰ در فرانسه پیدایش و گسترش یافت و به طور دقیق همراه با تحولات بعدی و وابسته اش «پسا ساختار گرایی»^۱ نامیده می شد. این جنبش همزمان به بعضی

^۱ - post structure

جنبش های سیاسی مثل تکثر گرایی^۲ فرهنگی و فمینیسم، افکار و اندیشه های حاکم بر تمدن غرب را به عنوان ایدئولوژی یک گروه جنسی، قومی و اقتصادی ممتاز تلقی می کند و بر آن است که اقتدار آموزش و سیاسی را به کسانی منتقل سازد که پیش از این محروم و طرد شده و در اقلیت بوده اند. (کهن^۳، ۱۹۹۶، ترجمه رشیدیان: ۱۳۸۲).

از نظر ژيرو تعليم و تربيت نه تنها بايد به مثابه به وجود آورنده دانش فهميده شود بلکه همچنين بايد به وجود آورنده فاعلان سياسي باشد. تعليم و تربيت انتقادي به جاي رد کردن زبان سياست بايد آموزش عمومي را با ضروريات يك دموکراسي انتقادي پيوند دهد.

اخلاق بايد به مثابه مسئله ي اصلي تعليم و تربيت انتقادي در نظر گرفته شود و اين امر اقتضا مي کند که مربيان تلاش کنند تا کاملاً بفهمند که چگونه گفتمان های متفاوت مراجع اخلاقي متنوعي در اختيار دانش آموزان بگذارند تا ارتباطشان را با جامعه ي وسيع تر بنا نهند. (ژيرو^۴، ۱۹۹۹، ترجمه رشیدیان : ۷۲۱)

تعليم و تربيت در زمينه مقاصد، شرايط و محتوا دچار تحول عظيمي شده است. اين تغييرات بخشي از فرآيندي است که عموماً نقش تعليم و تربيت را به عنوان نتيجه عصر روشنگري مورد سوال قرار مي دهد. در وضعيت پست مدرن، تعليم و تربيت در موقعيتي نا سازگار و بحراني قرار دارد که رويکرد پست مدرن، به فهم اين نا سازگاري کمک بسياري خواهد کرد. يکي از مسائل مهم و مورد بحث، ايده ها و رويکردهای پست مدرنيسم است که مفاهيم، ساختارها و سلسله مراتب موجود دانش را به چالش طلبيده است. تعليم و تربيت نیز هم

^۲- pluralism
^۳-cohen
^۴-giroux

به لحاظ ساختاری و هم به لحاظ فرآیندی و هم به لحاظ نتیجه و برونداد، در همه اشکال آن به شدت به نهادهای تولید و توزیع دانش وابسته است. در واقع، نگرش پست مدرن، مواجهه با معرفت‌شناسی و عقیده عمیقاً ریشه دار و طرفدار دانش‌مبنایی، دانش‌منظم و علم‌گرایی است. این مواجهه منابع مفیدی برای بازاندیشی درباره اثرات شخصی و ساختاری تعلیم و تربیت فراهم می‌کند. بعلاوه تعلیم و تربیت که وظیفه حفظ، بازسازی، اصلاح و توسعه میراث فرهنگی را به عهده دارد، در این راستا به شناخت دقیق و مستدل این رویکردهای نوین و رو به گسترش نیاز دارد. لذا پژوهش حاضر به منظور پاسخ به این نیاز و تدارک مجموعه مدونی از اطلاعات دقیق و مستدل در آن زمینه انجام می‌گیرد و بر آن است که با تحلیل دیدگاه‌های مدرنیستی و پست‌مدرنیستی و استنباط دلالت‌های تربیتی آن نقاط قوت ضعف احتمالی را نیز روشن نماید. از آنجا که اهداف تربیتی، اساس تعلیم و تربیت تلقی می‌شود، بعد محتوا، و روش تدریس نیز در راستای همین اهداف مورد توجه قرار می‌گیرد. بر این اساس سوالهای این پژوهش به شرح ذیل می‌باشد:

- ۱- اهداف برنامه درسی بر اساس دیدگاه مدرنیسم و پست مدرنیسم چیست؟
- ۲- محتوای برنامه‌های تربیتی مطلوب بر اساس دیدگاه مدرنیسم و پست مدرنیسم کدامند؟
- ۳- روشهای مطلوب تدریس بر اساس دیدگاه مدرنیسم و پست مدرنیسم کدامند؟
- ۴- نقاط قوت دیدگاه مدرنیسم و پست مدرنیسم چیست؟
- ۵- نقاط ضعف دیدگاه مدرنیسم و پست مدرنیسم کدامند؟

ضرورت انجام تحقیق :

اندیشه های نوین در هر زمان و بسته به شرایط و موضوع با واکنشهای متفاوتی روبرو می شود، گاه با طرد و نفی و گاه با استقبال کامل و پذیرش بی چون و چرا. مدرنیسم و پست مدرنیسم پیش از آنکه به صورت اندیشه های تربیتی متجلی شوند، در زمینه های علوم و به ویژه تکنولوژی گسترش خواهند یافت و پیشرفتهای تکنولوژیکی نیز خواه و نا خواه به کشورهای دیگر از جمله کشور ما منتقل خواهد شد. انتقال تکنولوژی بدون شک نیازمند کسب فرهنگ و استلزامات آن می باشد. این فرهنگ و استلزامات آن در بخش عمده اش توسط تعلیم و تربیت منتقل می شود و رواج می یابد. از آنجا که الگوهای فرهنگی جامعه در تمامیت خود از عناصر به هم پیوسته و منسجم تشکیل می شود، اگر در یک بخش تغییری حاصل شود، موجب ایجاد تنش ها و فشارهایی در دیگر قسمتها می شود و تناسب بین آن بخش و بخش های دیگر را از میان برده و وضعیتی پیش می آید که اصطلاحاً تاخر فرهنگی نامیده شده است. ما در دوران مدرن شاهد چنین گسستگی فرهنگی بوده ایم (فانی، ۱۳۸۳: ۱۰) اما شتاب ارائه اندیشه های نوین در دوران حاضر و گستردگی رسانه های ارتباطی و اطلاعاتی و شکستن مرزها و موانع طبیعی و سنتی در آینده نه چندان دور، موج شدیدی از گسیختگی فرهنگی را به دنبال خواهد داشت که آثار آن نسبت به گذشته گسترده تر و عمیق تر خواهد بود و سازش و تطابق اجتماعی یا جامعه پذیری را مشکل خواهد ساخت. آنچه معقول و پذیرفته و منطقی است آنست که به دور از تعصب و از سر انصاف و آگاهی به تحلیل آنها همت گماردیم و نقاط قوت و ضعف آنها را در یابیم و در عرصه عمل از نقاط مثبتشان بهره مند شویم. بر این اساس و با توجه به تاثیرات رو به گسترش مدرنیسم و پست مدرنیسم در عرصه های مختلف سیاسی، اجتماعی و

فرهنگی و دینی و به ویژه تربیتی، شناخت هر چه دقیقتر این دو رویکرد فکری و پی آمدهای آنها امری ضروری است و به ناچار نیاز به پژوهشی منظم و سازمان یافته دارد و انجام پژوهش حاضر در پاسخ به این نیاز ضروری است.

مدرنیسم یا نوگرایی، نهضتی اجتماعی و فرهنگی است که با فرآیندی ناگهانی، انتقالی، پر شتاب، زمینه های تقلید از غرب را شدت می بخشد و در پی الگو برداری از اندیشه هایی است که انسان محوری، فردباوری، اصالت فردی و منافع فرد، مردم سالاری و نسبییت فرهنگی از ویژگی های آن است. (میر موسوی، ۱۳۷۶: ۲۵۶)

پست مدرنیسم روش^۱ یا سبکی از تولیدات فرهنگی است که چگونگی تجربه کردن و توصیف دنیا توسط انسان ها را از نو مفهوم پردازی می کند. (آهنچیان، ۱۳۸۱: ۲۰)

منظورمان از پست مدرنیسم چیست؟ این ابهام به وسیله پیشوند post (به معنی پسا) بر سر کلمه مدرن (نو) به وجود آمده است. پست مدرنیسم خود را با آنچه که نیست معرفی می کند. چیزی که دیگر مدرن (نو) نیست. پس پست مدرن چیست؟ بدون شک جزئی از مدرن است. (جلالی سادات، ۱۳۸۰: ۶)

در وسیع ترین مفهوم، مدرنیته به عنوان شورشی که بر ضد حکومت استبدادی و استبداد کلیسا بر خاست و در نتیجه به شکل های قرون وسطایی حکومت، مذهب، علم، هنر و تعلیم و تربیت خاتمه داد. مدرنیته یک حرکت انقلابی مداوم و دنباله دار بود، یعنی به یکباره رخ نداد، همچنین به یک کشور یا در یک قلمرو خاص از جامعه محدود نشد. خرد گرایی^۱، انسانگرایی^۲،

^۱- rationalist
^۲- humanistic

دموکراسی، آزادی فردی و رمانتیسم همه ایده های مدرن بود که در زمانها و مکانهای متفاوت ریشه زد و رشد کرد. به علاوه، مدرنیسم بیشتر یک پدیده غربی بود و حتی امروزه هنوز می توان در خارج از جهان غرب جوامعی پیدا کرد که بیشتر فتودالی هستند تا مدرن. (فانی، ۱۳۸۳: ۲)

امروزه مباحث پست مدرنیسم به انگاشتی بسیار گسترده تر از مسئله های قبلی آن که طی دهه ۱۹۷۰ بیشتر محدود به زیبایی شناسی بود، مربوط می شود. از دهه ۱۹۸۰ بود که دو گرایش وسیع در تئوری فرهنگی پست مدرن پدید آمد: یکی آن که با اندیشه شالوده شکنی گره خورده است عمدتاً تحت تاثیر اندیشمندان اروپایی نظیر لیوتار، بودریار و واتیمور است و دیگری که نسخه آمریکایی آن به حساب می آید جنبه انتقادی تری به خود می گیرد و آثار کسانی چون فردریک جیمسون، دیوید هاروی و ریچارد رورتی را شامل می شود. (آهنچیان، ۱۳۸۱: ۲۲)

بیش از دو دهه گذشته، دیدگاههای پست مدنیسم و بوم شناختی به شکلی برجسته در ادبیات تئوری برنامه درسی اثر داشته است و بعنوان مثال پاینار، رینولدز، اسلاتری و تابمن (۱۹۹۵) این دیدگاه را گسترش دادند. (سومارو همکاران ۲۰۰۱: ۱۴۵)

مدرنیستها با اعتقاد به منافع کامل پیشرفت فن آوری، ویرانی حاصل از کاربرد دانش پیشرفته در تولید سلاحهای جدید قدرتمند نقش پیشرفت فن آوری را در تخریب محیط زیست پیش بینی نمی کردند. هر چند باورهای مدرن کاملاً غلط نبود، اما اغلب آرمانی شده و نسبت به ابعاد تاریک طبیعت بشر، اکتشافات علمی و پیشرفت تکنولوژی غافل نبود. پست مدرنیسم، نیز مانند مدرنیسم بیشتر یک پدیده غربی است. خیزش آن نیز ناگهانی نبوده بلکه در